

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۲۰۰۹ / ۰۸ / ۲۵

سروده ناچیزی به استقبال ، ارتباط ، اقتفاء ، و تأیید سروده ناب جناب فخرالشعراء ، محترم الحاج محمد نسیم اسیر تحت عنوان (حیف حیف) که زینت بخش صفحات وزین سایتهای انترنتی افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) و (افغان جرمن اونلاین) گردیده، تقدیم است. امید مورد قبول و پسند خاطر دست اندرکاران سایتهای زرین و وزین واقع گردد. با عرض ارادت و حرمت

## خامه جنگی

راست میگوئی (اسیرا) ! دل پریشان ، حیف حیف

در تصادم ، روز و شب ، اqlام یاران ، حیف حیف

حیف وقت پُریها ، کاندردیاران غریب

خامه جنگی در میان قهرمانان ، حیف حیف

در چنین حالت که میهن ، طعمه کام نهنگ

از تغافل ، غرق اندر بحر عصیان ، حیف حیف

زخم جنگ تانک و راکت را همیشه ، التیام

لیک فرهنگ و ادب را نیست درمان ، حیف حیف

هرچه را بر ضد گندیدن ، نمکپاشی کنند

وای ، گر گندد نمک ، هم بر نمکدان ، حیف حیف

مشعل. عجز و نیاز ما که دائم شعله ور  
خرمن هستی. ایمان سوخت نادان ، حیف حیف  
شوخی. طبع. روان ، هرگز نرنجاند کسی  
رنجشی آید اگر در بین خوبان ، حیف حیف  
( **تیشه را خود بی سبب در ریشه خود** ) میزنند  
پیشتازان. قلم پرداز. افغان ، حیف حیف  
جان. هم افتاده با الفاظ ( نقطه نقطه ها )  
پاره از هریک گریبان ، تا به دامن ، حیف حیف  
دوستان. نانی ، هیزم میکشند ، با شوق و ذوق  
نفت پاشیدن به نار. بغض ایشان ، حیف حیف  
بر یکایک یار. جانی ، فرض. عین و واجبست  
گر نسازد شوره زار. دل ، گلستان ، حیف حیف  
( **دل به تحکیم محبت های یاران می تپد** )  
ورنه می گردیم ، از هردو گریزان ، حیف حیف  
سایت. (Afghazad) و (Afghan-German)، هردو باخبر  
بیش ازین شایسته نبود ، تُند الحان ، حیف حیف  
**گر خدا ناخواسته ، این رشته ، روزی بکشد**  
**بعد از آن ، هرگز نبندیم عهد و پیمان ، حیف حیف**  
در وطن جنگست و طالب ، در پی کُشتار. خلق  
ما ، درین غُربتسرا ، با خود دلنگان ، حیف حیف  
جان ، شیرین است و جان دادن ازان شیرینترست ،  
در ره جانان اگر قربان نشد جان ، حیف حیف  
ما که مشعل دار. فرهنگی. عصر. حاضریم  
گر چراغان می نگردد این شبستان ، حیف حیف  
طبع. ما از **خامه جنگی** های یاران ، خسته شد

وای ، گر پایان نیابد ، ما به پایان ، حیف حیف

این شدی تصمیم « نعمت » با ( اسیر ) مهربان

رفع رنجش گر نشد از دوستداران ، حیف حیف